

تحلیلی بر مستندات قرآنی عدالت فرهنگی در نهج البلاغه

محسن احتشامی نیا* / احمد امینی کهریزسنگی**

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۲

چکیده

عدالت از جمله مفاهیمی است که اندیشمندان، همواره به تعریف و تبیین آن در اعصار مختلف پرداخته‌اند. این مفهوم، تکلیفی الهی است که موجبات تعالی بشر در حوزه‌های مختلف زندگی را فراهم می‌کند. ریشه اصلی مسأله عدالت را باید در درجه نخست در قرآن کریم و سپس در سخنان معصومین علیهم‌السلام به خصوص سخنان گهربار حضرت علی علیه‌السلام جستجو نمود. پژوهش حاضر قصد دارد تا با غور و تفکر در آیات نورانی کلام الله مجید و سخنان امیر مؤمنان علیه‌السلام در نهج البلاغه، تحلیلی بر مستندات قرآنی عدالت فرهنگی در نهج البلاغه را به روش تحلیلی توصیفی مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین ابعاد مهم عدالت «عدالت فرهنگی» است. بر طبق آیات قرآن و سخنان حضرت علی علیه‌السلام و درون مایه‌ی اساسی عدالت فرهنگی «توحید» است. همچنین مطابق آیات قرآن و نهج البلاغه عدالت در افعال خداوند در سه گستره مهم «تکوین»، «تشریح»، «جزا و پاداش» ظهور می‌کند. عدالت فرهنگی به معنای کارکرد فرهنگ در جامعه‌ای به ایجاد تعادل و توازن می‌باشد و این تعادل باید به‌سوی گریز از تمایل به رذایل اخلاقی باشد. عدالت فرهنگی از موضوعاتی است که برپایه‌ی توزیع عادلانه امکانات فرهنگی جامعه استوار است.

واژگان کلیدی

عدالت فرهنگی، توحید، تکوین، تشریح، جزا.

M.ehteshaminia@yahoo.Com

*. استادیار گروه الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

Amini.kahrizsangi@yahoo.Com

**دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

بیان مساله

عدالت از جمله مفاهیم بسیار مهمی است که همواره ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. این مفهوم، تکلیفی الهی است که موجبات تعالی بشر در حوزه‌های مختلف زندگی را فراهم می‌کند. از این رو جامعه بشری از ابتدا تا کنون در آرزوی تحقق عدالت و ریشه‌کن شدن تبعیض و بی‌عدالتی در تمام زمینه‌ها بوده است.

ریشه اصلی مسأله عدالت را باید در درجه نخست در قرآن کریم جستجو کرد؛ زیرا قرآن، بذر اندیشه عدل را در دل‌ها آبیاری نموده و دغدغه آن را در روح انسان‌ها ایجاد نموده است. به تصریح قرآن کریم، نظام هستی و آفرینش براساس عدل، توازن و استحقاق‌ها و قابلیت‌ها پی‌ریزی شده است. عدالت در قرآن، در موارد بسیاری مانند نفی ظلم از ساحت کبریایی، توجه به هدایت انسان‌ها در قالب ابلاغ و بیان دین و تمام کردن حجت بر آدمیان بیان گردیده است.

قرآن کریم، هدف از ارسال پیامبران و انزال کتاب‌های آسمانی را اقامه‌ی عدل و قسط یاد نموده (حدید / ۲۵) و در موارد زیادی به انسان‌ها فرمان داده تا در رفتارهای فردی و اجتماعی خود اهل عدالت و دادگری باشند (مائده / ۸).

در کلمات معصومین علیهم‌السلام به خصوص امام علی علیه‌السلام به اهمیت و ضرورت تحقق عدالت در تمامی امور زندگی بسیار تأکید شده است. این در حالی است که سیره‌ی عملی، معصومین علیهم‌السلام، بر گرفته از مبانی قرآن است.

در این نوشتار به باز شناسی عدالت اعتقادی و فرهنگی، در اندیشه نخستین پیشوای شیعیان، امام علی علیه‌السلام پرداخته خواهد شد که در خطبه‌های متعدد و همچنین حکمت‌هایی از نهج البلاغه، خود را به زیبایی نشان داده است. آنچه در مورد عدالت خداوند در عرصه‌های گوناگون در نهج البلاغه آمده است همگی دارای قرابین و شواهد گوناگونی در آیات قرآن کریم هستند. بدین جهت در این نوشته، به بررسی آیات عدالت فرهنگی یعنی فرهنگ در تار و پود جامعه و انعکاس آن در تمام امور جامعه، چه از نظر اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، احکام دینی و در سیاست و از دیدگاه امیرالمومنین علی علیه‌السلام در نهج البلاغه به شیوه و روش سیر این مقاله، یعنی تحلیلی توصیفی براساس مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته خواهد شد.

۲- مفهوم شناسی واژه عدالت

۲-۱- مفهوم لغوی «عدل»

لغت‌شناسان، برای «عدل» معانی متعددی بر شمرده‌اند که به برخی از این معانی اشاره می‌شود: این منظور در معنای «عدل» آن را ضد جور، آن‌چه که در نفوس مستقیم شمرده شده و اصلاح ترازوها و نیز به معنای مانند کردن چیزی به چیز دیگر، غیر از جنس خودش تا این که برای آن همانندی قرار دهد،



تعبیر کرده است (ابن منظور، ۲۰۰۴: ۶۱/۱۰) طریحی نیز ضمن اشاره به معنای قصد در امور و قرار گرفتن هر چیز سر جای خود، معتقد است ((عدل)) با فتح، به معنای ارزش و فدیة و مرد صالح و با کسر، به معنای مثل و مانند است. او عادل را کسی می‌داند که هوای نفس او را از حق منحرف نمی‌کند و حکم به جور نمی‌دهد (طریحی، ۱۳۸۵: ۴۲۱/۵).

به طور اختصار می‌توان «عدل» را در معانی ذیل بیان نمود:

- استقامت (خوری شرتوتی، ۱۳۷۴: ۴۹۴/۳)
- قصد و میانه‌روی در امور (همان)
- انصاف (ابراهیم مصطفی، ۱۳۷۷: ۵۸۸)
- مساوات، تسویه (طریحی، ۱۳۸۵: ۱۳۴/۲)
- معنای مقابل ظلم (همان)

۲-۲- معنای اصطلاحی عدالت

در ارائه تعریف اصطلاحی عدالت به دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان اسلامی اشاره می‌شود:

۱- ابن‌سینا در تعریف خود، هرگز عدالت را مترادف با تساوی نمی‌داند. به اعتقاد وی عدم تساوی، خود در یک معنا موجب عدالت بوده و ضروری می‌باشد. چه آن‌که ایجاد تساوی در میان امور، فارغ از تأمل در جایگاه هستی‌شناختی‌شان نه تنها راه به عدالت نمی‌برد، بلکه سبب ظلم و تباهی می‌باشد (کناری زاده، ۱۳۸۵: ۵۸).

۲- از دیدگاه فارابی، عدالت این است که همه به سعادت و کمال افضل خود برسند، زندگی کنند، به زندگی خود ادامه دهند. جنگ و ستیز از میان برداشته شود و هر عضوی وظیفه خود را انجام دهد (بهشتی، بستانی، ۱۳۹۴: ۱۱).

۳- مطهری برای عدالت معانی متعددی بر می‌شمرد:

الف) موزون بودن: وصول به هدف نهایی مجموعه‌ای که از اجزا و ابعاد مختلفی تشکیل شده است مستلزم وجود تناسب از نظر مقدار لازم هر جزء و کیفیت ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. تنها در این صورت که آن مجموعه قادر به ابقاء و ایفای اثر مطلوب خود خواهد بود. عدل به معنای تناسب و توازن، از شئون حکیم بودن و علیم بودن خداوند است.

ایشان می‌فرماید: معانی عدل شامل موزون بودن، تساوی و رفع تبعیض، رعایت استحقاق‌ها و رعایت حقوق افراد و دادن پاداش و امتیاز براساس میزان مشارکت آنها.

ب) تساوی و نفی هرگونه تبعیض: معمولاً منظور از عدالت، نفی هرگونه تفاوت میان افراد یک جامعه یا به عبارتی رعایت مساوات بین آن‌ها است.

ج) رعایت حقوق افراد و اعطای حق به هر ذی‌حقی: در مقابل آن ظلم یا پامال کردن حقوق افراد و تصرف در حقوق دیگران است. معنای حقیقی عدالت اجتماعی، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود، همین معنا است (مطهری، ۱۳۹۲: ۵۴). در حقیقت، حقوق همه افراد مورد توجه و رعایت قرار گیرد: «اعطاء کُلِّ ذی حَقِّ حَقَّهُ» (غروی، ۱۴۰۷: ۱۹).

د) رعایت استحقاقها:

عدالت فرهنگی یعنی توزیع عادلانه‌ی امکانات فرهنگی یک جامعه که با استحقاق‌های افراد و نهادهای فرهنگی متناسب است و این مهم اگر در چارچوب کارکردهای فرهنگی وجود داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که فرهنگ عدالت در جامعه در حال نهادینه شدن است. عدالت یکی از کارکردهای فرهنگ است و فرهنگ می‌تواند به استثناء از متن‌هایی که ضامن توسعه عدالت در جامعه است ایفای نقش کند.

۲-۳- معنای لغوی عدالت فرهنگی

عدل در مقابل ظلم است و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است و امر متوسط میان افراط و تفریط را عدل گویند.

عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری.

در تفسیر نمونه ذیل آیه ۹۰ سوره‌ی نحل آمده: عدل به معنای واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود باشد. یعنی دادن حق هر صاحب حقی.

عدالت فرهنگی یعنی در فرهنگ جامعه، هر چیزی سر جای خودش باشد و در تار و پود جامعه و در ابعاد گوناگون اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی تأثیر داشته باشد و این عدالت به طور کامل بروز پیدا کند و افراد جامعه، این ابعاد و انعکاس و تأثیرپذیری آن‌ها را شاهد باشند.

۲-۳-۲- مفهوم اصطلاحی عدالت فرهنگی

عدالت فرهنگی میل به سمت تعادل و سوق به طرف فضایل اخلاقی و پرهیز از تمامی رذایل اخلاقی دارد. عدالت فرهنگی به دنبال یافتن راه‌هایی است که در شکل‌گیری ذهنیت‌ها و تغییر آن‌ها و در نتیجه در نوع رفتار افراد عدالت برقرار شود.

مهم‌ترین بعد عدالت فرهنگی، علم، معرفت و کسب آگاهی‌های تازه است زیرا برداشت عقلی باید با علم و شناخت و آگاهی توأم باشد، تا زمینه‌ی اجرای عدالت در جامعه فراهم گردد و چنان‌چه علم و آگاهی لازم نباشد، اصولاً عدالت تحقق‌پذیر نیست.

عدالت فرهنگی، برابری افراد در بهره‌گیری از علم و معرفت مطابق با تبع و ذوق و علاقه‌ی آن‌ها می‌باشد.

عدالت فرهنگی، مبارزه با جهل و ناآگاهی و گامی در راه تحقق عدالت به شمار می‌رود که از طریق خانواده و جامعه صورت می‌گیرد.

۲-۴- مفهوم عدالت از منظر امام علی (علیه السلام)

از دیدگاه امام علی (علیه السلام) عدالت دارای چند مفهوم است.

۲-۴-۱- استقامت

این واژه در مورد راه و طریقی به کار می‌رود که بر خط راست و مستقیم باشد. مراد از «ثم استقاموا» در آیه ۳۰ سوره فصلت، این است که ملازم وسط را باشند و دچار انحراف نگردند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۵۹۱/۱۷).

در کلامی از امام علی (علیه السلام) واژه استقامت به معنای (ادای حق) دلالت دارد.

«رعیت اصلاح نمی‌شود مگر با اصلاح زمامداران و زمامداران اصلاح نمی‌گردند مگر با استقامت رعیت». پس هر گاه رعیت حق والی را ادا کند و والی حق رعیت را بپردازد، حق در میان آن‌ها عزت یابد، راه‌های دین خالی از انحراف می‌گردد و نشانه‌های عدالت استوار می‌شود (خطبه ۲۱۶).

در واقع می‌توان گفت: «اگر انسان به راستی و درستی حقوق دیگران را رعایت کند و از کژی و انحراف بپرهیزد. این راستی و عدم انحراف را عدالت نامند» (گرچی، ۱۳۷۷: ۲۸).

هنگامی انسان به صفت استقامت آراسته می‌شود که ملازم راه راست و طریق مستقیم شرع بوده و از انحراف به دو طرف آن، که اعراض از حق و تضییع حقوق شمرده می‌شود، بپرهیزد. چنین انسانی عادل است و راه عدالت رات می‌پیماید. راهی که امیرالمؤمنان (علیه السلام) انسان‌ها را به پیمودن آن دعوت کرده است. «بر طریقه کتاب او و راه روشن فرمایش و مسیر درست عبادت او مستقیم و ثابت بمانید. پس از این مسیر روشن خارج نشوید» (خطبه ۱۷۶).

۲-۴-۲- اعتدال و میانه‌روی

اعتدال و میانه‌روی در همه امور، راه و رسم پیشوایان دین بوده است. حضرت علی (علیه السلام) هرگونه افراط و انحراف به راست و چپ را رد و آن را عین گمراهی معرفی کرده است.

به عقیده امام (علیه السلام) اعتدال و میانه‌روی در جامعه باعث تضمین سلامت و آرامش آن جامعه می‌شود. ایشان در این زمینه می‌فرماید:

(کاری که باید پیش از هر کار دوست داشته باشی، میانه‌روی در حق است و همگانی کردن آن در برابری و دادگری که بیشتر سبب خشنودی رعیت می‌شود) (نامه ۵۳). در جای دیگر می‌فرماید: (رفتن از راست و چپ به گمراهی می‌انجامد و راه میانه، راه راست است: راه قرآن و سنت نبوی) (نامه ۵۴).

بنابر نظر حضرت علی علیه السلام، میانه‌روی در تمامی امور و در همه‌ی جوانب باید لحاظ شود، ایشان در این رابطه می‌فرماید:

«بر اثر پیروی از شیطان، به زودی دو طایفه درباره‌ی من هلاک خواهند شد: یکی دوستی که در دوستی افراط، کند. به طوری که محبت بی‌اندازه، او را به راه باطل بکشد و دیگر دشمنی که از حد تجاوز کند و دشمنی بی‌اندازه، او را به غیر حق وا دارد و بهترین مردم درباره‌ی من گروه میانه هستند. پس این راه را پیشه سازید (خطبه ۸۸).

۲-۴-۳- انصاف

حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه « إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ » (نحل / ۹۰) چنین فرموده است. «عدل به معنای انصاف و احسان به معنای تفضل است» (حکمت ۲۳۱).

عدل و انصاف با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. هر کس بخواهد بر اساس عدالت عمل کند، باید انصاف داشته باشد. لفظ انصاف در قرآن کریم به کار نرفته، ولی در نهج البلاغه کاربرد فراوانی دارد. اصل این لفظ از «نصف» گرفته شده است؛ به این معنا که شخص منصف، امتیازات و منافع را میان خود و دیگران بخش می‌کند. هر چه برای خود بخواهد، همان را برای دیگران نیز می‌خواهد؛ دیگران را با خود یکسان و برابر حساب می‌کند. یکی از جنبه‌های معنایی این واژه از دیدگان امیرمؤمنان اجرای عدالت منصفانه است که حق ضعفا و ستم‌دیدگان جامعه است؛ ایشان به علاوه، عمل به انصاف را در جامعه، شاه کلید اساسی رابطه سازگار انسانی و همزیستی مسالمت‌آمیز افراد می‌داند و می‌فرماید:

هیبت و وقار با بسیاری سکوت است و انصاف و عدالت است که پیوند انسان‌ها را بیشتر می‌کند و با کرامت و بخشش است که ارزش و عظمت پیدا می‌کند و با فروتنی است که نعمت‌ها تکمیل می‌شود و با به عهده گرفتن رفع نیازمندی‌ها است که سروری اثبات می‌شود و با روش دادگرانه است که دشمن مغلوب می‌شود و بردباری و گذشت در برابر احمق، یاوران او را می‌افزاید (حکمت ۲۳۱).

از سخنان امام علی علیه السلام چنین استنباط می‌شود که آن حضرت عدل را به معنی مراعات انصاف در حقوق مختلف افراد در جامعه می‌داند. منظور از انصاف یعنی هر امری در جای خود و متناسب با حق خود رعایت شود. به عبارت دیگر، رعایت اعتدال در امور و پرهیز از افراط و تفریط به معنی رعایت انصاف در امور می‌باشد.

۲-۴-۴- میزان

یکی از مهم‌ترین وجوه عدالت از دیدگاه امام علی علیه السلام میزان است. به این معنا که در هر کاری باید تمامی شرایط به طور یکسان در نظر گرفته شود و ذره‌ای کمتر یا بیشتر از حق، با کسی رفتار نشود. حضرت علی علیه السلام در این باره به فرزندش می‌فرماید:

« فامنع من الاحتکار فان رسول الله (صلی الله علیه وآله) منع منه ولیکن البیع بیعاً سمحاً، بموازين عدل، و أسعار لا تجحف بالفریقین من البائع و المبتاع »



از احتکار جلوگیری کن، زیرا رسول اکرم ﷺ، از احتکار جلوگیری فرمود و جریان معاملات باید آسان و روا و با موازین عدالت و با قیمت‌هایی انجام شود که به طرفین معامله تعدی نشود (نامه ۵۳).
 با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت: امام علی (علیه السلام) عدل را با معانی ای نظیر، انصاف (تمیمی آمدی، ۱۴۲۰: ۸۸/۲، ح ۶۱۱۴)، مراعات حق (حکمت ۳۹۹)، میزان (تمیمی آمدی، ۱۴۲۰: ۹۱/۲ ح ۶۱۴۸)، هماهنگی و راستی (خطبه ۱۷۵). قرار دادن هر چیز در جای خود (حکمت ۳۰) به کار می‌برد. از منظر امام علی (علیه السلام) معانی عدل در نهج البلاغه، عبارتند از:

- ۱- رعایت حقوق دیگران: حقوق همه افراد مورد توجه و رعایت قرار گیرد «إِغْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ».
- ۲- نهادن هر چیز در جایگاه خود: امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا عَنْ جِهَتِهَا» (سید رضی، ۵۵۳).
- ۳- توازن و تناسب بین برخی اشیاء.

۲-۵- معنای عدل الهی بر اساس آیات قرآن و نهج البلاغه

نصوص و حیاتی، انسان را از سخن گفتن درباره خداوند سبحان باز داشته‌اند. مگر بر آن چه خودش، خود را وصف می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ» (صافات/ ۱۶۰-۱۵۹).

بر اساس روایات معصومین (علیهم السلام) عدل از صفات باری تعالی است که باید هرگونه عجز و ضعف را از خداوند متعال، نفی نمود. در حقیقت عدل منحصر است به نفی هرگونه ظلم و ستم از خداوند حکیم. از جمله آیاتی که هرگونه ظلم و ستم و ناتوانی را از خداوند نفی می‌کند عبارت است از:
 الف) «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» خداوند، به اندازه‌ای هر چند ناچیز، ظلم نمی‌کند (نساء/ ۴۰).
 ب) «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (یونس/ ۴۵).
 در آیه، افعال اختیاری بندگانی که موجب پیامدهای ناگوار و شر برای ایشان می‌گردد، بیان شده است.
 ج) «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهِلِكَ الْفُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ» (هود/ ۱۱۷).
 در این آیه به عذاب‌ها، متذکر می‌شود و آن را نتیجه اعمال خود افراد می‌داند.
 حضرت علی (علیه السلام) درباره‌ی عدل می‌فرماید: «الْعَدْلُ الْأَتْهَمَةُ» (حکمت ۴۷۰). عدل آن است که خداوند را متهم ندانی. در تعبیر حضرت، معنای تنزیهی از عدل الهی بیان شده است.
 بنابر آن چه که در قرآن و نهج البلاغه ذکر گردید، مقصود از عدل الهی، نفی هرگونه ظلم و ستمی از ساحت خداوند سبحان است. بر همین معنا، آدمی نباید خداوند را متهم کند. متهم نمودن خداوند، هنگامی صورت می‌گیرد که به او ظلمی را نسبت ندهند.

شهید مطهری در رابطه با عدل الهی می‌نویسد:

«منظور از عادل بودن خدا، این است که استحقاق و شایستگی هیچ موجودی را مهمل نمی‌گذارد و به

هرکسی هر چیز را استحقاق دارد می‌دهد...» (مطهری، ۱۳۹۲: ۷۰).

۲-۶- اقسام عدالت در قرآن و نهج البلاغه

با مطالعه آیات قرآن و سخنان حضرت علی (علیه السلام) مربوط به عدالت می‌توان دریافت که عدالت شامل عدالت در گفتار، حکم (داوری)، مصالحه، و شهادت می‌باشد.

۲-۶-۱- عدالت در گفتار

قرآن کریم به عدالت خداوند در گفتار اشاره دارد و می‌فرماید: « وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ » و کلام پروردگار تو در راستی و عدالت به حد کمال است هیچ کس نیست که، یاری دگرگون کردن سخن او را داشته باشد و اوست شنوا و دانا « (انعام / ۱۱۵).

همچنین خداوند به انسان توصیه می‌کند که هنگام سخن گفتن عدالت را رعایت نمایند. «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» «و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد» (انعام / ۱۵۲).

حضرت امیر در رابطه با عدالت خداوند می‌فرماید: «الذی صدق فی میعاده، و ارتفع عن ظلم عباده و قام بالقسط فی خلقه، و عدل علیهم فی حکمه» «خدایی است که در وعده خویش راستگوست و بالاتر از آن است که به بندگان ستم کند و در میان آفریدگانش به عدل رفتار کرده و در حکم خویش با آن‌ها دادگری کرده است» (خطبه ۱۸۵).

۲-۶-۲- عدالت در حکم

رعایت عدالت هنگام حکم و داوری بین مردم، یکی دیگر از اقسام عدالت است که در قرآن کریم به آن سفارش شده است.

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد! خداوند، شنوا و بیناست.» (نساء/ ۵۸).

حضرت علی (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَى الثَّقَةِ بِالظَّنِّ» «داوری با گمان بر افراد مورد اطمینان، دور از عدالت است» (حکمت ۲۲۰).

امام علی (علیه السلام) در رابطه با اختلاف حکم‌ها و رعایت عدالت بین آنها می‌فرماید:

«و قال (علیه السلام) فی ذم اختلاف العلماء فی القتیا: ترد علی اءحدهم القضية فی حکم من الاحکام فیحکم فیها براءیه، ثم ترد تلك القضية بعینها علی غیره فیحکم فیها بخلافه، ثم یجتمع القضاء بذلك عند الامام الذی استقضا هم فیصوب آراءهم جمیعا؛ و الههم واحد! و نبیهم واحد! و کتابهم واحد! اءفا مرهم الله -

سبحانه - بالاختلاف فاعطاه!» امام علیه السلام در بدگویی از اختلاف علماء در فتوی چنین می گوید: يك موضوع به یکی از آنان داده می شود که حکم آن را صادر کند و او نظر خود را می دهد، عین همین موضوع به یکی دیگر از اهل علم داده می شود و دومی حکمی صادر می کند که برخلاف حکم اول است، پس هر دو برای حل اختلاف پیش امامی که آنان را به قضاوت گمارده است می روند و امام نظر هر دو را تأیید می کند. خدای آنان یکی، پیامبرشان یکی و قرآن آنان هم یکی است؛ اما در حکم اختلاف دارند! آیا خدا دستور داده اختلاف پیدا کنند و آنان به فرمان خدا گوش داده اند (خطبه ۱۸).

۲-۶-۳- عدالت در مصالحه

قرآن همچنین آدمی را در هنگام ایجاد صلح و آشتی به رعایت عدالت توصیه نموده است و می فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ مَا اقْتَتَلُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (و هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد و هر گاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد) (حجرات/۹).

حضرت علی (علیه السلام) در نامه اش به مالک اشتر، در رابطه با انعقاد معاهدات صلح و رعایت عدالت در صلح نامه با دشمن می فرماید:

«وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عُقْدَةً، أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً، فَحُطَّ عَهْدَكَ بِالْوَفَاءِ، وَازْعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ، وَاجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَتْ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعاً، مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَتَشْتَّتِ أَرْوَاحِهِمْ، مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ. وَقَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْعُدْرِ؛ فَلَا تَعْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ، وَلَا تَخَيَّسَنَّ بِعَهْدِكَ، وَلَا تَخْتَلِنَنَّ عَدُوَّكَ، فَإِنَّهُ لَا يَجْتَرِي عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيٌّ. وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَهْدَهُ وَذِمَّتَهُ أَمْنًا أَفْضَاةً بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ، وَحَرِيماً يَسْكُنُونَ إِلَى مَنَعَتِهِ، وَيَسْتَفِيضُونَ إِلَى جِوَارِهِ، فَلَا إِذْغَالَ وَلَا مَدَالَسَةَ وَلَا خِدَاعَ فِيهِ. وَلَا تَعْقُدْ عَقْدًا تُجَوِّزُ فِيهِ الْعِلَّ».

و اگر با دشمن عقد و پیمان بستی، به آن وفادار باش و با رعایت امانت به تعهدات خویش پایبند باش، و با تمام قوا در انجام آن کوشا باش، چه هیچ یک از واجبات الهی نیست که مردم با همه اختلاف نظرهایی که دارند، بر آن اتفاق نظر داشته باشند، مانند وفای به عهد، و مشرکان نیز در بین خودشان، جدای از مسلمین آن را محترم شمرده اند، زیرا عواقب پیمان شکنی را دیده بودند. پس به تعهد خویش خیانت نکن، و از خیانت کردن به دشمن برحذر باش، چه آنکه بر خدا گستاخی نکند جز نادان بدبخت و خداوند با رحمت خویش، عهد و پیمانش را محیط امن و حریم آسایش بندگان قرار داده، تا در حمایت او پناه گیرند، بنابراین فساد، تدلیس و نیرنگ محکوم است (نامه ۵۳).

۲-۶-۴- عدالت در شهادت

یکی دیگر از اقسام عدالت در قرآن کریم، رعایت عدالت هنگام شهادت و گواهی دادن است. به طور مثال در سوره طلاق به شهادت دو مرد عادل بعد از تمام شدن عده زن اشاره دارد و می‌فرماید: « فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهَا فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا » « و چون عده آنها سرآمد، آنها را به طرز شایسته ای نگه دارید یا به طرز شایسته ای از آنان جدا شوید و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید و شهادت را برای خدا برپا دارید این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند» (طلاق/۲).

حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، به رعایت عدالت در گواهی تأکید دارد و در حکمت ۲۵۲ حضرت در بیان فلسفه احکام الهی، به فلسفه شهادت و گواهی اشاره دارد و می‌فرماید: « وَ الشَّهَادَاتِ اسْتِظْهَارًا عَلَى الْمَجَاحِدَاتِ » « و گواهی دادن را برای به دست آوردن حقوق انکار شده قرار داده است» (نامه ۲۵۲).

۲-۶-۵- عدالت در معاملات اقتصادی

رعایت عدالت، در معاملات اقتصادی یکی از جمله مواردی است که مورد تأکید آیات قرآن قرار دارد. « وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ » « و حق پیمانه و وزن را به عدالت ادا کنید» (انعام/۱۵۲).

حضرت علی (علیه السلام) در دوران حکومت خود همواره عدالت را اجرا می‌کردند. در خطبه ۱۵ نهج البلاغه به یکی از مواردی که حضرت عدالت را اجرا نمودند، اشاره شده است:

« وَقَالَ فِيمَا رَدَهُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ مِنْ قِطَاعِ عِثْمَانَ وَ اللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِنَّ النَّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِنَّ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُنَّ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ صَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلَ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضِيقٌ »

درباره زمین‌هایی که عثمان به اقطاع دیگران در آورده و آن حضرت علیه السلام زمین‌های مذکور را به مسلمانان برگردانیده بود فرمودند: به خدا قسم، اگر آن مال را چنین می‌یافتیم که به تحقیق با آن، زنانی به عقد زناشویی در آمده و کنیزانی با آن خریداری شده بودند، باز هم هر آینه آن را به مسلمانان بر می‌گردانیدم، پس به راستی در عدل و دادگری وسعت و گشایش است و هیچ چیز آن را از میان نمی‌برد و آن کس (یا آن فرمانروا) که اجرای عدالت، او را در تنگنا قرار دهد و نتواند از این راه به تدبیر امور بپردازد چاره جویی از راه جور و ظلم برای او تنگ تر و دشوارتر خواهد بود (خطبه ۱۵).

حضرت امیر، عدالت را، یکی از پایه‌های ایمان برمی‌شمرد و عدالت را به چهار شعبه تقسیم می‌کند: « وَالْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى غَائِصِ الْفُهْمِ، وَغُورِ الْعِلْمِ، وَزُهْرَةِ الْحُكْمِ، وَرَسَاخَةِ الْجَلْمِ، فَمَنْ فِيهِمْ عِلْمٌ غُورٌ الْعِلْمِ؛ وَمَنْ عِلْمٌ غُورٌ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَائِعِ الْحُكْمِ؛ وَمَنْ حَلَمٌ لَمْ يُفْرِطْ فِي أَمْرِهِ وَعَاشَ فِي النَّاسِ حَمِيدًا، » « عدالت، چهار شعبه دارد: فهم دقیق، علم و دانش عمیق، قضاوت صحیح و روشن و حلم و بردباری راسخ. کسی که درست بیندیشد به اعماق دانش آگاهی پیدا می‌کند و کسی که به عمق علم و دانش برسد از سرچشمه احکام، سیراب می‌گردد و آن کس که حلم و بردباری پیشه کند گرفتار تفریط و

کوتاهی در امور خود نمی‌شود و در میان مردم با آبرومندی زندگی خواهد کرد.» (حکمت ۳۱).

۷-۲- عدالت فرهنگی در قرآن و نهج البلاغه

در قرآن کریم و نهج البلاغه به عدالت فرهنگی توجه ویژه‌ای شده است. به گونه‌ای که با بررسی آیات قرآن و سخنان حضرت علی (علیه‌السلام) توان دریافت، یکی از مهم‌ترین ابعاد مهم عدالت، «عدالت فرهنگی» است. زیرا این بُعد با حوزه هنر، معرفت و دانش سروکار دارد و به جهت محوریت عقلانیت بر سایر حوزه‌ها اشراف دارد.

۷-۲-۱- توحید، اساس عدالت

طبق آیات قرآن و سخنان حضرت علی (علیه‌السلام) و درون مایه‌ی اساسی عدالت فرهنگی «توحید» است. اگر بپذیریم که فرهنگ از چهار لایه باور، ارزش، رفتار و نماد تشکیل شده است، در میان لایه‌های فرهنگ، «باور» نقش اساسی و محوری را در فرهنگ به عهده دارد؛ زیرا باور است که بر سایر لایه‌های فرهنگ تأثیرگذار است؛ هر چند به صورت محدود نیز از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. از این رو توحید که بیشتر در ساحت جهان‌بینی و باور قرار می‌گیرد، به عنوان یک مقوله و اصلی فرهنگ و به دنبال آن عدالت فرهنگی، در قرآن کریم و نهج البلاغه ظهور و بروز تام دارد.

در آیه ۱۵ سوره شوری به این مسأله اشاره نموده است: «فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ أَمُنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لِأَحْجَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (شوری، ۱۵). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این آیه، ضمن بیان ایمان خود به قرآن کریم، اعلام می‌کند که خداوند به او دستور داده که میان مردم به عدالت رفتار کند. از این رو از دیدگاه قرآن کریم، فرهنگ حاکم بر مردم دارای شاخص‌هایی است که ابعاد گوناگون فرهنگ را نشانه رفته است که یکی از این شاخص‌های ابعدی، عدالت فرهنگی است (احمدزاده، ۱۳۹۵: ۴۲).

حضرت علی (علیه‌السلام) در باب توحید می‌فرماید: «التَّوْحِيدُ الْأَتْتَوَهُمَةُ وَ الْعَدْلُ الْأَلَا تَتَّهَمَةُ» (حکمت ۴۷۰). حضرت، واحد دانستن خدا را معادل توهم نکردن او دانسته است.

۷-۲-۲- عدالت ورزی خداوند

مطابق آیات الهی و سخنان حضرت علی (علیه‌السلام) عدالت در افعال خداوند، در سه گستره مهم «تکوین»، «تشریح»، «جزا و پاداش» ظهور می‌کند.

۷-۲-۱- عدالت تکوینی

خداوند متعال از جهت این که فیاض علی‌الاطلاق بوده و فعالیتش تام است، هر شیئی از ممکنات را به اندازه‌ی استعداد ذاتی و حدود ماهوی اش از فیض وجود بهره‌مند نموده است. پس عدل تکوینی



عبارتست از فیض عام و بخشش گسترده‌ی حق تعالی در مورد همه‌ی موجوداتی که امکان هستی داشته‌اند، بدون هیچ‌گونه امساک (اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۲۲/۱؛ مطهری، ۸۴).

در این شاخه از عدل الهی، اختیار انسان نقشی ندارد و دستاورد آن، بروز ویژگی «تعالد عمومی» در جهان می‌باشد. چنین تعادلی در نظام رفتاری انسان نیز که عنصری از هستی می‌باشد، قابل طرح است. این برداشت در واقع به جنبه تکوینی و طبیعی نظام می‌پردازد که جبری و خارج از اختیار بشر است. «قَدَّر ما خلق فأحکم تقدیره» (خطبه ۹۱).

این جمله امام، به این نکته اشاره دارد که در وجود هر مخلوقی، برابر حکمت الهی اندازه‌گیری دقیق شده است؛ به گونه‌ای که اگر از مقدار معینی فزونی گیرد یا نقصان پذیرد در مصلحت آن خلل پدید می‌آید و منفعت مقرر بر آن دگرگون می‌شود «وَدَبَّر فَأَطْلَف تَدْبیره» (خطبه ۹۱).

حضرت علی (علیه السلام) اساس هستی را عادلانه می‌دانست که خداوند آن را بر پایه حق آفریده است و حق در تفکر حضرت علی (علیه السلام) مظهر مفاهیم راستی، پایداری و عدالت است. حضرت علی (علیه السلام) جهان هستی را جهانی عادلانه تصور می‌کند که در آن حق از میان رفتنی نیست و این عدالت در هستی و خلقت، باید در رفتار انسان‌ها هم نمود داشته باشد. حضرت در این باره می‌فرماید: «خداوندی که به حق وعده می‌دهد، صادق است و فراتر از آن است که بر بندگان خود ستم روا دارد. با آفریدگان خود به عدالت رفتار می‌کند و هر حکم که می‌دهد از روی عدالت است (خطبه ۲۲۷).

قرآن کریم در رابطه با عدالت خداوند می‌فرماید: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران / ۱۸). خدا در حالی که قائم به عدالت است گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند]، معبودی جز او نیست که فرا دست و فرزانه است.

در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلِمَةً بِالْبَصَرِ». (قمر / ۵۰-۴۹). ما همه چیز را با اندازه و قدر مشخصی آفریده‌ایم و کار ما جز یکی نیست همچون چشم برهم زدن.

۲-۲-۷-۲- عدالت تشریحی

خداوند هر یک از انسان‌ها را به اندازه‌ی قدرت و استعدادش مورد تکلیف قرار می‌دهد «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره / ۲۸۶).

خداوند در نظام تشریح قوانین، همواره عدل را رعایت نموده است (مطهری، ۳۵).

خداوند در وضع تکالیف و قوانین که سعادت انسان در گرو آن است، فروگذاری نکرده است و در این باره فرستادگانی دارد: «خداوند سبحان هرگز خلق خود را خالی و محروم از پیامبران و کتاب و حجت و برهان لازم و رساننده به مقصود رها نساخته است. این پیامبران خود ساخته پیروزمندانی بودند که نه کم بودن عددشان اخلاقی به انجام مأموریتشان وارد کرد و نه فراوانی تکذیب کنندگان تبهکار از اجرای تصمیم الهی‌شان بازداشت. سنت الهی بر آن بود که نام پیامبران آینده را به گذشتگان ابراز کند و نام انبیای

گذشته را به آینده معرفی نماید (خطبه ۱)

خداوند سبحان هیچ انسانی را به کاری پیش از استطاعت او، مکلف نمی‌سازد، به همین خاطر قوانین اسلام آسان است. امیرالمؤمنان می‌فرماید: «شکر خدای را که حقایق اسلام را آشکار کرد و راه‌هایی ورود به سر چشمه آن را آسان نمود و پایه‌های آن را در برابر ستیزه جویان محکم کرد (خطبه ۱۰۵). قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (مؤمنون / ۶۲) و ما هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید و به آنان هیچ ستمی نمی‌شود.

تکلیف‌ها و دستوره‌های خدا به مردم، بر اساس عدل است حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: (به تحقیق خدای سبحان، بندگانش را به آن چه امر فرمود، مُخیر ساخت و از این که بترسند نهی کرد و هر چه تکلیف کرد، آسان است و به کار سخت و تکلیف امر کرد.) (سید رضی، همان، ۳۶۱).

۲-۷-۳- عدالت جزایی

حق تعالی در روز جزا به ملاک توانایی و تلاش اختیاری هر انسانی در باره او قضاوت می‌کند و هر یک را به پاداش یا کیفری مناسب با افعالش خواهد رساند (مصباح، ۱۳۷۴: ۱۹۴).

حضرت امیر می‌فرماید: «بَعَثَ رَسُولَهُ بِمَا خَصَّصَهُمْ بِهِ مِنْ وَحْيِهِ وَ جَعَلَهُمْ حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ لِئَلَّا تَجِبَ الْحُجَّةُ لَهُمْ بِتَرْكِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ فَدَعَاَهُمْ بِلِسَانِ الصِّدْقِ إِلَى سَبِيلِ الْحَقِّ أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَةً لَا أَنَّهُ جَهْلٌ مَا أَخْفَوْهُ مِنْ مَصُونِ أَسْرَارِهِمْ وَ مَكْنُونِ صَمَائِرِهِمْ وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَهُمْ أَنَّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فَيَكُونُ الثَّوَابُ جَزَاءً وَ الْعِقَابُ بَوَاءً» پروردگار، پیامبرانش را فرستاد و وحی خویش را به آن‌ها اختصاص داد و ایشان را حجت خود بر مخلوقاتش کرد تا جای عذر و بهانه‌ای نماند و انبیا مردم را با زبانی صادق به راه پروردگار دعوت کردند. بدانید که خدای تعالی حالات درونی بندگان خویش را آشکار کرد تا امتحانشان کند که کدامیک بهترین عمل را به جا می‌آورد، ثواب را به پاداش عمل عذاب را کیفر کارهای خلافشان قرار دهد (خطبه ۱۴۴)

به نظر می‌رسد مفهوم این عدالت جزایی با فرهنگ جامعه در ارتباط است زیرا وقتی کسی در جامعه، جرمی مرتکب می‌شود باید اطلاعات و شناخت‌های لازم را دریابد و به قول معروف توجیه گردد که چرا مجازات می‌شود. و اگر شناخت‌ها و معرفت‌های لازم را داشته باشد مرتکب خطا و اشتباه نمی‌شود که بعداً مورد کیفر قرار گیرد.

در جای دیگر می‌فرماید: «هرگز خداوند انسانی را به بهشت نمی‌برد که مرتکب عملی شده باشد که فرشته‌ای را به سبب آن از بهشت رانده است» (سید رضی، ۵۶۷).

خداوند متعال در رابطه با عدالت خود می‌فرماید: «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا» (انبیاء / ۴۷) «ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم پس به هیچ کس کمترین ستمی

نشود».

۲-۷-۳- تقابل هوای نفس و عدالت

حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۸۷ نهج البلاغه در توصیف بهترین و محبوب‌ترین بندگان خدا می‌فرماید: «عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ» و در ادامه بعد از شمردن ویژگی‌های این محبوب‌ترین‌ها می‌فرماید «قَدْ أَلَزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ» ریشه، مقدمه و اولین گام در راه عدالت، مبارزه و مجاهدت با هوای نفس و زیاده‌خواهی اوست.

در قرآن کریم نیز در رابطه با تقابل هوای نفس با عدالت می‌فرماید: «ای مؤمنان، همواره برای عدالت ایستاده باشید و برای خدا گواهی دهید، هر چند که به زبان خودتان یا پدر و مادر نزدیکان باشد؛ خواه بی‌نیاز باشد یا نیازمند، [در هر حال] خدا نسبت به [رعایت حال] فقیر و غنی سزاوارتر است؛ پس پیرو هوای نفس مباشید که از عدالت باز می‌ماند...» (نساء/ ۱۳۵).

۲-۷-۴- تقابل عدالت و احسان

با مطالعه آیات قرآن و نهج البلاغه این سوال مطرح می‌شود که عدل و بخشش کدام‌یک برتر است؟ با توجه به آیات قرآن، ممکن است جود و احسان در موارد خاص از عدالت برتر باشد همان‌گونه که قرآن در مورد قصاص می‌فرماید: «فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» (بقره/ ۱۷۸). در این آیه به روشنی، عفو و احسان، برتر از اجرای عدالت به وسیله قصاص شمرده شده است و در مورد بعضی از اختلافات خانوادگی و مهریه می‌فرماید: «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (بقره/ ۲۳۷). در سوره شوری در رابطه با بخشش از بدی‌های دیگران می‌فرماید: «وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةً مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» «جزای هر بدی مقابله به مثل است؛ و هر که گذشت کند و به شایستگی رفتار کند، پاداشش با خداست، برآسانی او ستمگران را دوست ندارد. البته آنان که پس از ستمی که دیده‌اند انتقام گیرند، هیچ راه [ملامت]ی برآنان نیست» (شوری/ ۴۰-۴۱).

در تمام این آیات عفو و احسان، برتر از عدالت شمرده شده ولی این‌ها در محدوده‌های خاصی صورت می‌گیرد در حالی که عدالت محدوده‌ای ندارد و تمام امور فردی و اجتماعی جامعه انسانی را در بر می‌گیرد.

حضرت امیر در نهج البلاغه از خداوند سبحان درخواست بخشش می‌کند و از خداوند می‌خواهد که با عدل خود رفتار کند. «اللَّهُمَّ احْمِلْنِي عَلَى عَفْوِكَ وَلَا تَحْمِلْنِي عَلَى عَذَابِكَ» «خداوندا با عفو و بخشش خود با من رفتار کن و با عدل و دادگری رفتار مکن» (خطبه ۲۲۷).

حضرت در جای دیگری، در پاسخ به سوال اصحاب خود عدالت را بر بخشش رجحان دادند. اصحاب از حضرت پرسیدند: عدل یا بخشش کدام یک برتر است. حضرت در پاسخ ابتدا عدالت و بخشش را تعریف کردند و فرمودند: «عدالت، هر چیزی را در جای خود می‌نهد، درحالی که بخشش آن را از جای خود



خارج می‌سازد» (حکمت ۴۳۷). هم‌چنین حضرت در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/ ۹۰) «الْعَدْلُ: الانصافُ، و الإحسانُ التَّفَضُّلُ» «عدل همان انصاف و احسان، همان بخشش است» (حکمت ۲۳۱) و آنگاه در حکمت ۴۳۷، دلیل خود را برای برتر دانستن عدالت بیان کردند و فرمودند: «عدالت تدبیر عمومی مردم است، درحالی که بخشش گروه خاصی را شامل می‌شود، پس عدالت شریف‌تر و برتر است» (حکمت ۴۳۷).

حضرت امیر در حکمت ۳۳ به اعتدال و میانه‌روی در بخشش سفارش نموده است و می‌فرماید: «كُنْ سَمَحًا وَ لَا تَكُنْ مُبَدِّرًا» «بخشنده باش اما زیاده روی نکن» (حکمت ۳۳).

۸-۲ توضیحات

با توجه به مطالب بیان شده، در این مقاله پیرامون معانی لغوی و اصطلاحی عدل و عدالت فرهنگی، به نظر می‌رسد در جامعه‌ی اسلامی و به خصوص مسئولین آن‌ها و با توجه به نام و نشان و سیمای حکومت، چنان‌چه کسی بخواهد علی‌وار زندگی کند، با تأسی به قرآن و سیره‌ی عملی و کلمات گهربار امیرالمومنین (علیه السلام) پیرامون عدالت و به خصوص عدالت فرهنگی، باید نقش به‌سزایی در اجرای قوانین الهی و دستورات معصومین (علیهم السلام) ایفا نماید و برخط مستقیم حرکت را بنا نهاده و در تبیین عدالت کوشا باشد و مهم‌تر از همه، الگوهای رفتاری خوبی در ابعاد مختلف جامعه از قبیل، فرهنگ، آموزش و پرورش، دانشگاه و دیگر مراکز آموزشی و تربیتی ایجاد کرده تا حقوق اقشار مختلف جامعه، مراعات گردد و از انحرافات که باعث خروج از صراط مستقیم می‌گردد، پرهیز شود.

تخلق به اخلاق الهی و کسب فضایل و کمالات انسانی و فرهنگی آن‌گونه که زینده بزرگان دین است، باید پرداخته شود و از رذایل اخلاقی که باعث انحطاط جامعه‌ی فرهنگی می‌گردد، پرهیز شود. باشد که در روحیه‌ی فرزندان جامعه تأثیرگذار باشد و از تمسک به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه امیرالمومنین علی (علیه السلام)، بهره برده و این فقط در شعار نباشد که گفته شود «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» بلکه علاوه بر قول و گفتار، در راستای رفتار و عمل به اطاعت آن بزرگواران، تلاش نمود.

- در واقع استواری نشانه‌های عدالت، در فرهنگ جامعه تأثیرگذار است. بلکه باید از افراط و تفریط، پرهیز نموده و اعتدال و میانه‌روی در جامعه را متضمن سلامت و آرامش جامعه دانست.

- باید از تجربیات تلخ جوامع و اقوام گذشته که ظلم را پیشه نمودند و سرنوشت فلاکت‌باری پیدا کردند، عبرت گرفته شود و قرآن و نهج‌البلاغه را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار داده و آنچه را که در گفتار، رفتار، حکم و دأوری، مصالحه و شهادت لازم می‌آید، مطرح گردد.

- برای رعایت عدالت، باید به ایجاد صلح و آشتی و رعایت حق و حقوق دیگران پرداخت و باید دانسته

شود که اصل و اساس عدالت در جامعه، به توحید است و در تکوین، تشریح، حقوق و جزا و پاداش، تعادل عمومی بروز گردد و آن‌گونه که حضرت علی (علیه السلام) مظهر مفاهیم راستین و پایداری و عدالت در جامعه بوده به ایشان، تأسی شود و عدل و احسان را سرلوحه زندگی خود قرار داده و در راه حق باعث رضایت حق تعالی گردد که «رضوان الله اکبر».

۲- نتایج مقاله

از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) عدل و عدالت دارای مفاهیمی همچون استقامت، اعتدال و میانه‌روی، انصاف و میزان می‌باشد. از مهم‌ترین معانی عدل در نهج البلاغه عبارتست از: رعایت حقوق دیگران، نهادن هر چیز در جایگاه خود و توازن تناسب بین برخی اشیاء.

بر اساس آیات قرآن و نهج البلاغه، منظور از عادل بودن خداوند این است که از سخن گفتن درباره خداوند باید پرهیز نمود مگر بر آن چه خودش، خود را وصف می‌کند و باید هر گونه ظلم و ستمی از ساحت خداوند نفی گردد.

طبق آیات قرآن و سخنان حضرت علی (علیه السلام) و درون مایه‌ی اساسی عدالت فرهنگی «توحید» است همچنین عدالت در افعال خداوند، در سه گستره مهم «تکوین» «تشریح» «جزا و پاداش» ظهور می‌کند. قرآن کریم، مؤمنان را به رعایت عدالت امر فرموده است و آنان را از پیروی هوای نفس بازداشته است و پیروی از هوای نفس را خروج از عدالت می‌شمارد. حضرت علی (علیه السلام) نیز ریشه، مقدمه و اولین گام در راه عدالت، را مبارزه با هوای نفس و زیاده‌خواهی می‌داند.

با توجه به آیات قرآن و سخنان حضرت امیر، عدالت و احسان در تقابل با یکدیگر قرار دارند و در مواردی عدالت بر احسان رجحان دارد و در برخی موارد همچون قصاص، احسان بر عدالت برتری دارد.

عدالت فرهنگی از نظر مولی امیرالمومنین علی (علیه السلام) این است که در تمامی ابعاد زندگی، این عدالت بروز و ظهور پیدا کند و تأثیر آن در تمامی ابعاد جامعه از منظرهای مختلف اعتقادی، اخلاقی، احکام قضایی، مسایل اجتماعی، احکام اقتصادی، اخلاقیات، سیاست و ... تأثیرگذار باشد.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۲۰۰۴، لسان العرب، بیروت، دارصادر للطباعة و النشر.
- ۳- ابراهیم مصطفی، ۱۳۷۷، المعجم الوسیط، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم.
- ۴- احمدزاده، سیدمصطفی، ۱۳۹۵، «شاخص‌های کیفی عدالت از دیدگاه قرآن کریم»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، سال بیست‌ویکم، شماره ۴، صص ۳۰-۵۵.
- ۵- اصفهانی، محمدحسین، ۱۳۷۴، نه‌ایة الدرایة فی شرح الکفایة، قم: سیدالشهداء.
- ۶- بستانی، قاسم، بهشتی، فاطمه، ۱۳۹۴، «شاخص‌های عدالت در اندیشه سیاسی علوی»، فصل‌نامه عقل و دین، شماره دوازدهم، سال هفتم.
- ۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۴۲۰ق، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- ۸- خوری شرتوتی، سعید، ۱۳۷۴، اقرب الموارد، تهران، دارالاسوه للطباعة و النشر.
- ۹- سیدرضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹، نهج البلاغه امام علی (علیه السلام) ترجمه: محمد دشتی، تهران، انتشارات لاهیجی.
- ۱۰- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۶، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: اسلامی.
- ۱۱- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۸۵، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- ۱۲- غروی، محمد، ۱۴۰۷ق، الأمثال و الحکم المستخرجه من نهج البلاغه، قم، موسسه النشر الإسلامی.
- ۱۳- کناری‌زاده، ۱۳۸۵، «مفهوم عدالت از نگاه برخی فیلسوفان غرب»، مجله دانش پژوهان، سال دوم.
- ۱۴- گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۷۷، عدالت یا اشاره‌ای کوتاه به برخی از تقسیمات آن، تهران، آموزگار جاوید.
- ۱۵- مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۴، آموزش عقائد، تهران، سازمان تبلیغات.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، عدل الهی، قم، انتشارات صدرا، چاپ چهل و دوم.

